

را با رویکردی تاریخی در پرتو معادلات اسلامی و بر بنیاد معارف و آموزه‌های آن تفسیر کند و راه برون‌رفت تازه‌ای که کاملاً متمایز از مکاتب اقتصادی - سیاسی مسلط جهان آن روز بود جست‌وجو کند. در این کتاب ابتدا اصل مالکیت و مبادی آن به بحث نهاده شده است. در نتیجه مالکیت پیش از آنکه موضوعی قانونی و اعتباری تصور گردد اصلی فطری و نفسانی تلقی شده که خود به منشأ احکام حقوقی و مسلک‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبدل گشته است. طالقانی درباره‌ی انگیزه نگارش این کتاب و پرسش بنیادینی که برای او مطرح بوده است چنین می‌نویسد: «هدف عمومی در این کتاب بحث در این است که مالکیت در اثر پیشرفت وسایل تولید و افزایش مال و مشتری و تمدن چگونه منشأ از میان رفتن توازن و تعادل و جنگ طبقات گردید و راحتی و آسایش بشری را سلب نموده آیا علاج قطعی و همیشگی برای این مشکل می‌توان یافت؟» (ص. ۹)

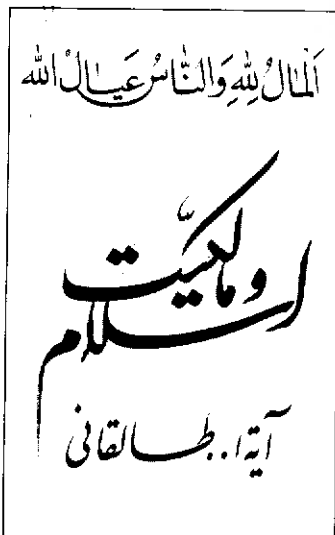
به رغم پیشرفت و تکاملی که بشر در امر مالکیت و مسائل اقتصادی داشته و پیوسته صاحبان اندیشه در راه علاج آن دیدگاه‌هایی مطرح ساخته‌اند اما تاکنون هیچ یک معالجه‌ی قطعی نبوده است. زیرا هنگامی که اراده‌ی انسان برای اشباع هر غریزه و خواسته‌ای معطوف گردید، به حد ضرورت و تامین حاجت متوقف نمی‌گردد و پیوسته می‌کوشد تا دایره‌ی نفوذ و خواسته‌های خود را افزایش دهد. به همین دلیل مالکیت و اقتصاد، همه‌ی قدرت‌های معنوی، اخلاقی و سیاسی را تحت‌تاثیر و نفوذ خود قرار داده است و لذا ریشه بسیاری از ردائل اخلاقی از جمله بخل، حسد، آز، رقابت، دشمنی و مانند آن را شکل می‌دهد. طالقانی با این مقدمه به بررسی سیر تاریخی تقسیم کار، گستره‌ی

اسلام و مالکیت از نخستین و در عین حال مهم‌ترین تالیفات آیت‌الله حاج سیدمحمود طالقانی است که بخش عمده‌ای از تکاپوی فکری و دغدغه‌های اجتماعی - اقتصادی وی را بازتاب می‌دهد. این کتاب در نوع خود اثری منحصر به فرد و درحقیقت پیشگام و راهگشای بسیاری از شخصیتها و متفکران اسلامی برای مطالعات جدی و گسترده‌تر در حوزه‌ی اقتصاد مبتنی بر شریعت اسلامی است.

اسلام و مالکیت که ظاهراً نخستین بار در سال ۱۳۳۴ یعنی دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد انتشار یافت در زمره موفق‌ترین و پرفروش‌ترین آثار سیاسی - مذهبی سال‌های پس از کودتا بوده است و به دلیل خلأ گسترده و فقر فزاینده‌ای که در ادبیات اقتصادی اسلام وجود داشت با استقبال روزافزون مخاطبانش مواجه می‌گردید، به همین دلیل «شرکت سهامی انتشار» یعنی ناشر این کتاب بیش از ده بار به انتشار آن همت گماشت.

جذابیت موضوع، توانایی و شهرت نگارنده اثر، قلم شیوای کتاب و رویکرد تازه‌ی مؤلف به یکی از بحث‌انگیزترین مباحث علمی - اجتماعی از عوامل موفقیت کتاب بود. اسلام و مالکیت در جهان دوقطبی و فضای متضاد جنگ سرد با توجه به داعیه‌های جهانشمولی دو مکتب مسلط آن روز یعنی سوسیالیسم و کاپیتالیسم می‌کوشید مسیر تازه‌ای بپوید. چه به اعتقاد نگارنده‌ی آن سوسیالیسم و کاپیتالیسم به دلیل تضادها و کاستی‌های ماهوی خود و نادیده انگاشتن همه‌ی ابعاد متزاید اندیشه و عمل انسان قادر نبوده و نیستند تا بشر را به سوی رستگاری و کمال سوق دهند. از همین رو طالقانی که به اندازه توزیع قدرت نگران توزیع ثروت نیز بود در این اثر می‌کوشید تا اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی

علیرضا ملایی توانی
استادیار تاریخ دانشگاه ارومیه



مبانی اقتصادی حکومت اسلامی

- اسلام و مالکیت
- محمود طالقانی
- شرکت سهامی انتشار
- ۱۳۴۴، چاپ چهارم

مالکیت، توزیع، مبادله، پول و سرانجام پیدایی قوانین و نظریات به منظور ایجاد تعادل در حوزه‌های اقتصادی می‌پردازد. بسیاری از ادیان و مذاهب، مصلحان اجتماعی و متفکران جوامع گوناگون که ایمانی عمیق به عواطف انسانی و مسئولیت اجتماعی بشر داشته‌اند با طرح عقاید و آرمان‌های خود در راه حل این معضل گام برداشته‌اند. ارائه فرضیاتی مبنی بر مدینه‌ی فاضله توسط فلاسفه در دوره‌های گوناگون از همین امر حکایت دارد. نظرگاه‌ها و اقدامات مکاتب و جریان‌هایی چون مرکانتیلیست‌ها، فیزیوکرات‌ها و شخصیت‌هایی چون آدام اسمیت، مالتوس، ریکاردو و حتی حرکت بزرگ انقلاب صنعتی تلاشی در همین راه بوده است. اما به رغم آثار مثبت و زودگذر پیامدهای ناگوار داشته‌اند. به عنوان نمونه با انقلاب صنعتی ثروت در میان عده‌ی محدودی متمرکز شد، استقلال شخصیت کارگران و کشاورزان رو به ضعف نهاد، با گسترش شهرها و ظهور تجمل‌ها و هوس‌های تازه، روح مذهبی تضعیف گردید و در مجموع تعادل اقتصادی - اجتماعی و مناسبات طبقات مختلف از هم گسیخت. همین پراکندگی‌ها و گسترش دستگاه‌های صنعتی زمینه‌ساز اتحاد کارگران به عنوان یک قطب فعال قدرت و اقتصاد گردید. همگام با این تحولات نظریات اشتراکی در میان متفکران غربی آغاز شد و با ظهور مارکس وارد مرحله‌ای جدید گردید. طالقانی با سیری اجمالی در امهات اندیشه‌های مارکس به بررسی چگونگی تحول

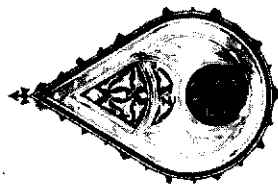
تاریخ بشر، ادیان، فلسفه و علم از نظر وی و نیز شکل‌گیری طبقات و مراحل گذار پنج‌گانه جامعه‌ی بشری از کمون اولیه تا رسیدن به سوسیالیسم می‌پردازد و ویژگی‌های حکومت دیکتاتوری پرولتاریا و سرانجام محو طبقات و ظهور عدل سوسیالیستی را که در آن هرکس به اندازه‌ی قدرت و به اندازه‌ی کار سهم می‌برد بیان می‌دارد و با ارزیابی ضعف‌ها و نارسایی‌های این مکتب به نقد جریان رقیب یعنی سرمایه‌داری همت می‌گمارد و کاستی‌های درونی کاپیتالیسم را به بحث می‌گذارد و سرانجام نتیجه می‌گیرد که سرمایه‌داری پایه اقتصاد را بر آزادی فرد قرار می‌دهد اما در عمل این آزادی کاملاً محدود می‌گردد و به شکل فزاینده‌ای تحت استثمار سرمایه‌داران قرار می‌گیرد و: «از این جهت سرمایه‌داری با مارکسیسم که فرد و منافع او را فانی در منافع اجتماع

می‌سازد فرق ندارد. همچنانکه مارکسیسم تمایلات یا حقوق طبقه کارگر را اصیل می‌داند و راه تصرف و تملک سرمایه و وسایل تولید را برای حکومتی که نماینده کارگران باشد باز می‌کند یا این حق را محصور در آنها می‌نماید، سرمایه‌داری هم راه تصرفات و تملک منافع و وسایل را برای طبقه خاصی باز می‌کند که نامی جز طبقه سودپرست ندارد. بنابراین سرمایه‌داری و مارکسیسم گرچه در برابر هم قرار گرفته‌اند ولی نتیجتاً در تأمین منافع و آزادی گروه یا طبقه خاص و سلب آزادی افراد اکنون هر دو شریکند [حال آنکه] جامعه حق و عادلانه آن است که در شکل عمومی اجتماع و به حسب مقررات آن مسئولیت و ضمانت عمومی برای همه ملحوظ باشد و منافع و مصالح فردی در ضمن اجتماع تأمین شود.» (ص ۹۵)

پس از ارزیابی تحلیلی و نقادی مکاتب بزرگ اقتصادی، طالقانی به شرح اقتصاد در پرتو ایمان و اعتقاد می‌پردازد. او با طرح نارسایی‌های قوانین و مکاتب عرفی، ویژگی‌های قوانین اسلامی را برمی‌شمارد و به علت علم مطلق شارع مقدس به رموز نفسانیات و خواسته‌های حقیقی بشر و وارستگی وی از محیط و طبقه و اطلاع و اشراف به هدف نهایی حیات فردی و اجتماعی این قوانین را جاودانه و حلال مشکلات مبتلا به بشر جدید پس از رهایی از مکاتب مادی می‌شمارد. زیرا اسلام بشر را از بندگی بشر و قوانین ساخته بشری آزاد و او را تسلیم حق و خیر مطلق می‌سازد و ارزش و جایگاه انسان را تعالی می‌بخشد. چرا که «منشأ زیانهای فردی و اجتماعی، مالکیت خصوصی نیست. مشکل این است که بشر، مملوک و محکوم علاقه‌ها و جوادب مال می‌باشد تا آنجا که اندیشه مال‌اندوزی، عقل و فکر و عواطف را به استخدام خود گیرد و با رشته‌های رنگارنگ علاقه‌ها وی را به هر سو بگرداند و به هر اقدامی وادارد.» (ص ۱۳۹)

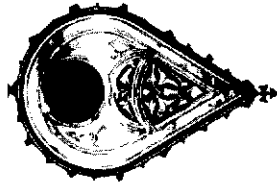
از نگاه طالقانی آزادی مطلق مالکیت (سرمایه‌داری) و در برابر آن، سلب مطلق مالکیت شخصی (اشتراکی و سوسیالیسم) محصول تحولات جهان غرب بویژه پس از انقلاب صنعتی بود به همین دلیل تضاد ماهوی این دو نظام سبب شده است تا پذیرش یکی به منزله‌ی نفی دیگری باشد. در واقع به اعتقاد طالقانی مشکل اقتصادی همواره و در همه حال پیرامون سه موضوع دور می‌زند: الف) چگونگی علاقه‌ها و روابط مالکیت نسبت به زمین و منابع طبیعی ب) طریق تأمین استقلال و آزادی فردی ج) چگونگی تنظیم جریان و گردش پول و جلوگیری از تمرکز و پیدایش قدرت اقتصادی متکی به آن. همه‌ی پیچیدگی‌ها و نابسامانی‌های بشر در

آموزه‌های اسلامی، پیش از بیان احکام و مقررات درباره‌ی تنظیم و تحدید روابط و علائق مالی، فکر و عقیده‌ی شخص موحد را به مبدأ و منشأ اصلی همه‌ی حقوق و تصرفات در مظاهر و نیروهای طبیعت متوجه می‌سازد



پیدایش طبقات
نتیجه‌ی انحراف افراد
و اجتماع از اصول حق و عدل
و نیز ریشه گرفتن اندیشه‌ی تجاوز و استثمار
و استثمار است

طالقانی مالکیت را پیش از آنکه موضوعی قانونی و اعتباری بدانند، اصلی فطری و نفسانی تلقی می کند که خود به منشأ احکام حقوقی و مسلک های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبدل گشته است



هدف پنداشتن مناسبات اقتصادی و ثروت ناشی از انحراف فکری و واژگونی انسان است و راه رشد همگانی و تولید و توزیع عادلانه را فرومی بندد

- ۸ - تحدید در تصرف
- ۹ - کارگران و مزدبگیران محکوم طبقه سرمایه دار و مقهور دولت نیستند. این گروه، هم خود و هم در کار خود آزاداند و معیشت آنها برحسب کار آزاد و به مقدار احتیاج تامین می شود.
- ۱۰ - حفظ استقلال در تصرفات مالی و پرورش شخصیت فرد در ضمن اجتماع
- ۱۱ - در میدان اقتصاد اصول ثابت و احکام و قوانین منظور وجود دارد.
- ۱۲ - اقتصاد اسلام مبتنی بر اصول حق و عدالت است نه متکی بر گروه و طبقه ای خاص.
- از نگاه اسلام پیدایش امتیاز طبقات، یک امر اصیل نفسانی و ضرورت لاعلاج اجتماعی نیست.
- پیدایش طبقات نتیجه ی انحراف افراد و اجتماع از اصول حق و عدل و نیز ریشه گرفته از اندیشه ی تجاوز

و استثمار و استعمار است.

- ۱۳ - آموزه های اسلامی، پیش از بیان احکام و مقررات درباره ی تنظیم و تحدید روابط و علائق مالی، فکر و عقیده ی شخص موحد را به مبدأ و منشأ اصلی همه ی حقوق و تصرفات در مظاهر و نیروهای طبیعت متوجه می سازد.
- ۱۴ - از نگاه اسلام و انسان مسلمان و موحد نمی توان به مال و تعلقات آن نظر استقلالی داشت. بلکه مال و تصرفات در آن جز وسیله ای برای رسیدن به مقاصد و هدف های انسانی و جایگاه اخروی نیست.
- هدف پنداشتن مناسبات اقتصادی و ثروت ناشی از انحراف فکری و واژگونی انسان است و راه رشد همگانی و تولید و توزیع عادلانه را فرومی بندد.

بدین ترتیب حوزه اقتصاد همانند حوزه اجتماع و سیاست از عرصه هایی بود که رهبران فکری انقلاب فعالانه خواستار تحول، تغییر و اصلاح آن بودند. طالقانی به عنوان پیشگام این عرصه، نابرابری ها، محرومیت ها، فقر، استثمار و استضعاف را ناشی از رشد اقتصاد وابسته به سرمایه داری غربی می شمرد و با نقد سرمایه داری و جریان رقیب یعنی سوسیالیسم به طرح اقتصاد اسلامی پرداخت تا به زعم او به مثابه آلترناتیوی برای جامعه ی اسلامی ایران و برون رفت از بحران هایی که دامن گیر آن بود عرض اندام کند. او همانند اسلام گرایان لیبرال از سرمایه داری کنترل شده حمایت نمی کرد و در مقابل نیز همانند سوسیالیست های اسلامی به نفی مالکیت و نفی حق استفاده از درآمدهای ناشی از توزیع نمی اندیشید بلکه به مالکیت محدود باورداشت و توزیع را همانند تولید از نظر اسلام حق طبیعی و فطری مالک عمل می شمرد و حتی هرگونه مصرفی که در راه تقویت معیشت و بهبود وضعیت عمومی و یا در راه

محیط سرمایه داری و نیز تولید و توزیع، ریشه در همین سه مشکل اساسی دارد، اگر به صورت عادلانه و آن گونه که مدنظر اسلام است افراد اجتماع با آزادی - تا آنجا که به حقوق دیگران تجاوز نشود - از مواهب نفسانی خود و طبیعی جهان بهره گیرند و به صورت مشروع و مفید مالک و تصرف در نتایج کار خود گردند و پول وسیله جلب اموال، استثمار و قدرت نشود، این معضلات قابل حل است. مالکیت اراضی را طالقانی براساس اصول اسلام به سه گروه: انفال (متعلق به عموم مسلمانان)، فیه (متعلق به امام) و اراضی فاقد مالکیت شخصی تقسیم می کند و شرایط تحول و تطور آن را در فرآیند تاریخ اسلام و نظام اقتصاد اسلامی بررسی می نماید. از وضعیت و جایگاه پول، سنت وقف، تحریم ربا یا دلایل فقهی و بینه ی قرآنی سخن می گوید. خراج، جزیه، کفارات، مالیات

، خمس، زکات و اقسام آن و نیز راه های مصرف آنها را تحت عنوان «توزیع از نظر اسلام» به بحث می گذارد و تنوع و تحرک درآمدهای اسلامی را مطرح می کند. او محیط و روابط اسلامی را به گونه ای نمایش می دهد که هرکس به قدر استعدادش تلاش و به اندازه ی نیازش مصرف می کند.

در پایان مختصات اقتصاد اسلامی را در محورهای زیر دسته بندی می کند:

- ۱ - اقتصاد اسلامی نه برپایه ی آزادی بی حد مالکیت فردی است که به سرمایه داری افسارگریخته بینجامد و نه مبتنی بر مالکیت عمومی که نتیجه اش سلب کلی مالکیت و آزادی فردی باشد و نه اقتصاد آمیخته و میهم بلکه افراد را در حدود محصول عمل مالک، و در مبادلات متصرف می شناسد.
- ۲ - علاقه های مالی و مناسبات اقتصادی با نحوه ی فکر و فطریات و عواطف و غرائز آدمی مرتبط است و محیط اجتماعی - اقتصادی را بازتاب مجموعه ی همین علاقه ها می داند.
- ۳ - حدود مالکیت و روابط اقتصادی اسلام را مبتنی بر سه اصل افراد، احکام و حکومت می شمارد.
- ۴ - توزیع مانند تولید از نظر اسلام حق طبیعی و فطری مالک عمل است یعنی فرد در اختیار عمل آزاد است و عمل منشأ مالکیت می شود.
- ۵ - حق مالکیت و توزیع فرآورده های طبیعی مبتنی بر حق تصرف و توزیع منابع طبیعی است. یعنی زمین و همه ی منابع طبیعی از آن همه است و دولت به نمایندگی مردم دارای حق نظارت و توزیع است.
- ۶ - توزیع عادلانه همه منابع طبیعی
- ۷ - حق مالکیت به مقیاس عمل

اعتلای ایمان، اندیشه و علم صورت می‌گرفت مجاز می‌شمرد. اما غلبه سودجویی مبتنی بر سرمایه‌داری را عامل اصلی نارضایتی و بروز اختلافات طبقاتی تلقی می‌کرد و با آن مخالفت می‌ورزید. از نگاه او سودجویی و هدف پنداشتن سرمایه چه از جانب افراد و چه از جانب دولت مسبب سلب آزادی واقعی و استثمار مردم بود به همین دلیل تعلیم اسلام را در تقابل با این خوی پلید می‌پنداشت و احکام و آموزه‌های اسلام را عامل عمده‌ی مهار آژمنندان زراندوزی دانست.

از نگاه طالقانی نظام سرمایه‌داری اگرچه ظاهراً مدافع آزادی و استقلال فردی است اما به دلیل دفاع از سرمایه‌داری آزاد به رشد طبقه‌ی سودجو می‌انجامد و مآلاً استقلال افراد یا از میان می‌رود و یا محدود به منافع طبقه خاص می‌گردد و در مارکسیسم نیز با نقض آزادی و استقلال فردی که بالاترین مطلوب و آرمان بشری است عملاً دولت به استثمارکننده‌ی اصلی تبدیل می‌شود. بدین ترتیب طالقانی تفاوت بنیادین مکتب اقتصادی اسلام را با مکاتب دیگر در یک جمله یعنی «وسیله دیدن اقتصاد و نه هدف پنداشتن آن» می‌یافت و معتقد بود

حکومت اسلامی و در رأس آن امام مسلمانان جایگاه ویژه‌ای در هدایت سیاست‌ها، جهت‌گیری‌ها و خط مشی اقتصادی جامعه دارد و او به دلیل حق «اولی بالتصرف» اختیار تصرف در مالکیت افراد را به نفع مصالح اجتماعی خواهد داشت.^۱

اساس اقتصاد اسلامی بر مالکیت خدا استوار است. آیات قرآنی با صراحت حق مالکیت مطلق تصرف، تسخیر، جعل و وضع را برای خداوند و حق بهره‌گیری (تصرف محدود) را برای همه‌ی خلق اعلام نموده است. انسان به واسطه‌ی مقام خلیفه الهی‌اش حق تصرف محدود را داراست و نمی‌تواند مالک زمین و منابع طبیعی باشد و شخصی که وکیل یا نایب جمع شود تصرفاتش باید در حد خیر و مصلحت عموم باشد درواقع مالکیت او محدود، مفید، عاریتی و تفویضی است. این مالکیت نسبی و محدود درباره‌ی محصول کار هم جائز است. زیرا اگر میزان دارایی از حدی فراتر رود مالیات مستقیم و ثابت (زکات و خمس) به آن تعلق می‌گیرد و اگر به زراندوزی منتهی شود مطرود و محکوم می‌گردد. طالقانی با وجود آنکه مارکسیسم را - به دلیل نقش گسترده و مداخله‌ی فزاینده‌ی دولت در امور اقتصادی و دولتی شدن همه فعالیت‌ها که از نگاه

او منافی استقلال و آزادی فردی است - آشکارا مورد انتقاد قرار می‌دهد خود او درباره‌ی حوزه‌ی عمل و کارکرد دولت اسلام، دچار همین خطا شده است. زیرا میدان عمل دولت اسلامی را آن‌چنان گسترده می‌انگارد که هم حق تصرف در منابع عمومی را داراست و هم به حسب مصالح مرسله در اموال خصوصی می‌تواند تصرف کند. چرا که حاکم اسلامی که مستقیم و غیرمستقیم و با شرایط خاص، ولی امر و واجب‌الاطاعه است قدرت تصرفش بیش از حق مالکیت فردی و نیز بیش از حق هر حکمرانی است که فقط برگزیده‌ی مردم باشد. زیرا او بیش از سایر حکومتگران برگزیده‌ی مردم قدرت دارد و برای اقامه قسط، دارای حق اولویت در عموم تصرفات است. به بیان دیگر حاکم و دولت اسلامی ناظر بر همه امور است. (ص ۲۷۰)

از دیگر مسائلی که طالقانی در حوزه اقتصاد کم‌اهمیت پنداشته روابط و مناسبات تولیدی است و این از مسائل اساسی و کلیدی هر نوع اقتصادی به‌ویژه روابط میان کارگر و کارفرما است. طالقانی این مناسبات را به این شرط که به سرمایه‌داری بزرگ و سودجویی نینجامد آزادانه و

طبیعی می‌شمارد. وی سعی دارد خوی پلید مناسبات سرمایه‌داری را به مدد تعالیم دینی مهار کند. لذا کارگر آزاد است و میدان عمل برای او باز است تا در شرایط متساوی و متعادل مزد دریافت کند یا در سود و اصل سرمایه شریک شود.

بدیهی است که با چنین تصورات غیرعملی یا دست‌کم دشوار، نمی‌توان مسائل بسیار پیچیده و متزاید مناسبات و روابط تولیدی را یکسره حل کرد. به علاوه در حوزه‌ی تجارت نیز طالقانی تجارت آزاد و نامحدود را مانند مالکیت آزاد و نامحدود زمینه‌ساز تضاد طبقاتی و محرومیت اکثریت می‌شمارد و لذا پذیرای نقش نظارتی دولت در همه حوزه‌ها می‌شود. طالقانی در مفهوم و مقوله‌ی پول، نظریه‌ی مارکسیستی پول را به طور کلی می‌پذیرد. ربا را فراتر از شرایط موجود در فقه اسلامی مطرح و مردود می‌شمارد و انحصار و احتکار را جز در مواردی که مصلحت عامه اقتضا کند، ممنوع می‌داند.

از نگاه او در اقتصاد اسلامی دو نوع مالیات ثابت (شامل زکات

به اعتقاد طالقانی مشکل اقتصادی همواره پیرامون سه موضوع دور می‌زند:

الف) چگونگی علاقه‌ها و روابط مالکیت نسبت به زمین و منابع طبیعی

ب) طریق تامین استقلال و آزادی فردی

ج) چگونگی تنظیم جریان و گردش پول و جلوگیری از تمرکز و پیدایش قدرت اقتصادی متکی به آن



از نگاه منتقدان اقتصادی آنچه طالقانی به عنوان راه سوم یا مکتب اقتصادی اسلام می‌نامد، شیوه خاصی از تولید اجتماعی - اقتصادی نیست، بلکه آن چیزی است که برای دوران گذار از اقتصاد سرمایه‌داری به سوسیالیستی مطرح شده است

و خمس) و متغیر (شامل خراج، جزیه و کفارات) وجود دارد که از محصولات تولیدی و نقدی اخذ می‌شود و این برخلاف نظر اقتصاددانان دارای نوعی تحرک و تنوع خاص مطابق با شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که نه تنها درآمدهای ضروری دولت را تأمین می‌کند بلکه از وسایل استقرار عدالت است.

از نگاه منتقدان اقتصادی آن چه طالقانی به عنوان راه سوم یا مکتب اقتصادی اسلام می‌نامد در واقع شیوه خاصی از تولید اجتماعی - اقتصادی نیست که کاملاً متمایز از اقتصاد سرمایه‌داری یا سوسیالیستی باشد بلکه آن چیزی است که برای دوران گذار از اقتصاد سرمایه‌داری به سوسیالیستی مطرح گشته، بخش عمده‌ای از محورهای آن سابقاً توسط حزب توده در چهارچوب حکومت ملی و دموکراتیک تدوین شده است.^۲

مخالفت صریح طالقانی با سرمایه‌داری انحصاری و بزرگ، توجه به نقش دهقانان و پیشه‌وران، عنایت به جمع در برابر فرد و برتر شمردن منافع و خواست‌های جمعی در برابر منافع و خواست‌های فردی، از حوزه‌های اساسی تشابه نگرش‌های وی با اقتصاد سوسیالیستی است. اما ضعف‌های جدی اندیشه اقتصادی او ناچیز انگاشتن فرآیند رو به گسترش صنعتی شدن و ضرورت تولید مازاد و بزرگ از یک سو و عدم توجه کافی به ضرورت تغییر مناسبات تولیدی از سوی دیگر است.

واقعیت این است که تولید در هر شکل و مکتبی به سوی بزرگ شدن گرایش دارد و این راه گریزناپذیر همه‌ی مؤسسات تولیدی است که به هیچ روی نمی‌توانند همچنان محدود و کوچک باقی بمانند. زیرا این مغایر با اصل تکامل و پیشرفت‌های صنعتی و فناوری‌های بزرگ جهان است. در پرتو چنین تحولاتی است که هزینه‌ی تولید پایین خواهد آمد و منافع حاصل از آن یعنی تولید با کیفیت و قیمت مناسب، هم به سود مصرف‌کننده و هم تولیدکننده است. لذا نمی‌توان همچنان با صنایع کوچک و محدود رو به آینده داشت. همه حوزه‌های صنعتی و کشاورزی نیازمند مکانیزه شدن و ادغام‌های بزرگ‌تراند تا انباشت سرمایه صورت پذیرد و چرخه‌ی تولید، توزیع و مصرف آسان‌تر به گردش درآید.

گذشته از این جوامع پیچیده و گسترده‌ی امروز را نمی‌توان صرفاً بر بنیاد مناسبات تولیدی صدر اسلام از قبیل مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره و مانند آنها اداره کرد. طالقانی در واقع به عقب بازگشته بود و به جامعه‌ی ایده‌آلی که توسط پیامبر (ص) در مدینه ایجاد گردید و در آن ثروت تحت نظارت دولت قرار داشت و بین همه به تساوی و براساس نیاز تقسیم می‌شد نظر داشت که در آن تمایز چندانی میان افراد و دارائی‌هایشان دیده نمی‌شد. بی تردید تحقق چنین فضائی و استقرار چنین مناسباتی نمی‌توانست جوابگوی صنایع و مؤسسات تولیدی بزرگ مانند پتروشیمی یا صنایع ماشین‌سازی و اساساً جامعه پیچیده‌ی امروز باشد. قالب‌های نوین و امروزی تولید، مناسبات تولیدی متناسب با ماهیت خود را می‌طلبند یا در حوزه‌ی زمین‌داری توجه به کمیت زمین و ثروت کافی نیست بلکه کیفیت و ماهیت زمینداری باید تغییر یابد. تنها با تعهدات اخلاقی و یا توصیه‌های مذهبی نمی‌توان بسیاری از مفاسد اقتصادی را مهار کرد و نابسامانی

آن را سازمان داد. بشر را باید با مکانیسم‌های بشری و ابزارهای اقتصادی زیر نظر گرفت اینک «هرکس فقط مالک محصول کار خویش است» آغاز خوبی برای تغییر مناسبات اقتصادی است اما عرصه‌های نوین تولیدی را شامل نمی‌شود و شعار «هرکس به قدر استعداد و به هرکس به قدر نیاز» که به تعبیر طالقانی اولین شعار اسلام و آخرین و متعالی‌ترین شعار کمونیستی است اگر با تغییر ماهیت مناسبات تولیدی و ساز و کارهای مشخص همراه نشود تنها به صورت یک شعار باقی می‌ماند. اگر چه طالقانی اصل اجتهاد زنده را به عنوان راه برون‌رفت و تغییر مناسبات اقتصادی متأثر از شرایط و زمان پذیرفته اما این اصل طی دوران تاریخی اسلام کارآمدی چندانی از خود بروز نداده است اما دست‌کم اصل تغییر و بازنگری را پذیرفته است.^۳

به هر تقدیر این کتاب که در چهارچوبی تاریخی به مسئله اقتصاد و تحولات آن نگریسته است به رغم کاستی‌ها و غفلت‌هایی که در برخی حوزه‌های اقتصادی مانند ملی کردن‌ها، نظام بانکداری، مسائل پیچیده‌ی مالیاتی، پیوند با اقتصاد جهانی و مانند آن داراست، پس از انقلاب به دلیل فقر فزاینده ادبیات اقتصادی مبتنی بر اسلام در کانون توجه گردانندگان نظام اسلامی قرار گرفت. زیرا هدف حکومت انقلابی تأسیس دولتی متکی بر قوانین اسلامی و نیل به عدالت اجتماعی و توزیع مجدد ثروت بود که به نحو گریزناپذیری با مالکیت خصوصی، دسترسی به منابع، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت سر و کار می‌یافت و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را درگیر می‌ساخت. قوانین اقتصادی می‌بایست منطبق با اصول شریعت اسلامی و بازتاب‌دهنده‌ی برابری و عدالت دینی می‌شد، از همین رو کتب جدید اقتصاد اسلامی از جمله اسلام و مالکیت در شمارگان فراوان مجدداً انتشار یافتند.

نظریات مندرج در این کتب در مساجد و نیز توسط مبلغان مذهبی مطرح شدند و به زودی به نشریات و روزنامه‌های کثیرالانتشار راه یافتند و هنگامی که قانونگذاری در حوزه اقتصاد آغاز شد اغلب انقلابیون برای بیان عقاید، شکل بحث و ارائه استدلال و منطق و ترویج آراء خود به این آثار مراجعه یا اشاره می‌کردند.^۴

پی‌نوشت:

- ۱- بنگرید به فوزی توپسراکائی، یحیی (۱۳۸۰) مذهب و مدرنیسم‌یون در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص ۳۸۰.
- ۲- بنگرید به جوانشیر، ف. م (۱۳۵۸) اقتصاد اسلامی از دیدگاه آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، مجله دنیا، سال اول، شماره‌ی سوم، دوره‌ی چهارم، ص ۲۵.
- ۳- برای اطلاع بیشتر از نقد نظریه طالقانی بنگرید به همان منبع، صص ۳۰-۲۴.
- ۴- نجاش، شائول (۱۳۶۸) اسلام و عدالت اجتماعی در ایران، از مجموعه مقالات تشیع، مقاومت و انقلاب (کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو ۱۹۸۴)، به کوشش مارتین گرامر، تهران، چاپ اول، ص ۱۳۵.